

A hand holding a string of green prayer beads (tasbeeh) in front of an ornate golden shrine. The background is a gradient of yellow and green with decorative flourishes.

# چرا بہ زیارت می رویم؟

طاہرہ ایرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ

وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه  
رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان

چرا به زیارت می رویم؟

طاهره یراقی

## چرا به زیارت می رویم؟

آیا تاکنون از خودتان پرسیده اید که چرا گاه و بیگاه هوایی می شوید و دلتان برای زیارت پیر می زند؟

تا به حال به این موضوع فکر کرده اید که ما چرا به زیارت می رویم؟ مگر نه این است که پیامبر یا معصومین همه جا حاضر و ناظرند و از هر مکانی می توان به محضرشان سلام داد؟! پس چرا ما رنج سفر بر خود هموار می کنیم و از مال و دارایی مان هزینه می کنیم تا در کنار بارگاه ملکوتی این بزرگواران حاضر شویم و بر آنان سلام دهیم؟!

به راستی در زیارت این عزیزان چه چیزی نهفته است که برای آن هر فرصتی را مغتنم می‌شماریم؟

در این نوشتار تلاش کرده ایم با توجه به آیات و روایات پاسخگوی این سوالات باشیم اما پیش از آنکه وارد بحث اصلی شویم ، لازم است به یک نکته ی بسیار مهم اشاره کنیم که غفلت از آن ، زیارتمان را به یک عمل بی روح بدل می سازد و آن اینکه برای بهره مند شدن از آثار ارزشمندی که در زیارت نهفته است ، یک شرط اساسی وجود دارد و آن معرفت بزرگواری است که به زیارتش می شتابیم .

امام صادق علیه السلام می فرمایند: خداوند هیچ عملی را بدون معرفت پذیرا نمی شود . (اصول کافی / ج ۱ / ص ۵۴) زائری که به آستان بوسی معصومی می رود ، باید نخست جایگاه ، مقام و عظمت او را بشناسد . معرفت به حق اهل بیت به این معناست که مقامات و مناصبی که خدای متعال به این بزرگوران عنایت فرموده را بشناسیم و در مقابل آن تسلیم شویم. بدانیم که رسول اکرم و دوازده جانشین الهی ایشان ، علت خلقت همه ی عالمنند . بپذیریم که حجت های پروردگار و نمایندگان تام الاختیار



اویند . باور داشته باشیم که خداوند متعال به این عزیزان قدرت تصرف در نظام عالم را مرحمت فرموده است ، ایشان را واسطه ی فیض قرارداده و هر چه از الطاف و نعمتهای الهی به ما می رسد از دست این بزرگواران است . بدانیم که اطاعت از این عزیزان واجب است و تنها راهی که به سعادت ابدی ختم می شود ، تبعیت از ایشان است . بپذیریم که اهل بیت بر ما نسبت به خودمان اولویت دارند و سرپرست و صاحب اختیار ما هستند و باور داشته باشیم که پذیرش این ولایت ، تنها راه بندگی پروردگار و تقرب به اوست . این بزرگواران را به نام و نشان بشناسیم و به صفات کمالشان آگاهی داشته باشیم ، با تمام وجود دوستشان بداریم و به محضر شریفشان ارادت بورزیم ، ایشان را معیار شناخت حق و باطل بدانیم و زندگیمان را بر مدار رضایتشان تنظیم کنیم . بدانیم که این عزیزان به معنای حقیقی حیات زنده اند ؛ نه فقط ما را میبینند و به ما عنایت دارند ، بلکه از تمامی احوالاتمان باخبرند ، سلامان را پاسخ می گویند و خواسته هایمان را کفایت می فرمایند .

درست به خاطر اهمیت این شناخت است که یکی از اولین خواسته های ما در حین زیارت نیز ، معرفت به حقوق ایشان است . در فراز پایانی زیارت جامعه کبیره چنین عرض می کنیم : «پروردگارا از تو درخواست می کنم مرا در شمار عارفین به ایشان و آشنایان به حقوقشان قرار دهی» این سطور بدان امید گرد هم آمده که ما را با آثار و برکاتی که در زیارت این بزرگواران نهفته است ، بیشتر آشنا کند و درهای دیگری از معرفت این عزیزان را به روی ما بگشاید .

ان شاءالله

## ۱- به زیارت می رویم تا دیداری تازه کنیم.

چنانچه می دانیم زیارت به معنای دیدار است و زائر دیدار کننده.

ما به دیدار چه کسانی می رویم؟ روشن است ما به دیدار کسانی می رویم که دوستشان داریم، کسانی که مهرشان با دلمان گره خورده و محبتشان ما را درگیر کرده است. برای چنین کسانی دلمان تنگ می شود و به دنبال فرصتی برای دیدارشان هستیم.

به همین جهت از هر زائر مشتاقی که بپرسید برای چه به زیارت می رود، قاعدتا اولین پاسخش همین است که دلش برای امامش تنگ شده و به دیدارشان می رود.

محبت و انس با معصوم، اشتیاق انسان را برای دیدار با ایشان بر می انگیزد و این اشتیاق، انگیزه‌ی بستن بار سفر می شود. همین شوق و رغبت، سختی های سفر را آسان ساخته و شیرینی آن را دوچندان می کند. به ما آموخته اند که ازدیاد و دوام این محبت و اشتیاق را در طول سفر زیارتی نیز از پروردگار بزرگ مسئلت کنیم.

در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام دست طلب به درگاه حضرت حق بلند کرده عرضه می داریم: «پروردگارا برای من در اولیائت پیشینه ای نیک قرار ده و زیارتگاه ها و آرامگاه های آنان را محبوب من گردان تا زمانی که مرا به ایشان ملحق فرمایی.»

این رغبت و اشتیاق مایه‌ی فخر ماست و بضاعت اندکی است که به حریمشان برده عرض می کنیم: «من به شما و زیارتتان اشتیاق ورزیدم پس از آن که اهل دنیا به شما و زیارتتان تمایل نشان ندادند.» (دعای بعد از زیارت عاشورا) اما همین تمایل و رغبت نیز در زائرین قبور معصومین درجات



مختلف دارد و در همه به یک اندازه دیده نمی شود . چرا که عوامل متعدد در میزان اشتیاق به زیارت مؤثر است که مهم ترین آن ها معرفت امام است؛ هر اندازه معرفت زائر به معصومی که به زیارتش می رود بیشتر و کامل تر باشد ، این شوق و رغبت افزون خواهد شد و بدون تردید یکی از مواردی که توجه به آن ، این معرفت و در نتیجه آن شوق را افزایش می دهد، توجه به حیات و زنده بودن معصوم است. اگر باور به حیات معصوم در ما عمیق نباشد، چه بسا به جای زیارت ایشان به دیدار گنبد و بارگاهشان برویم و از آستانشان دیدن کنیم ، در حالی که آنچه به زیارت ما ارزش فوق العاده می بخشد و ما را از برکات بسیار بهره مند می سازد ، زیارت و دیدار با خود معصوم است و نه صحن و سرای ایشان.

آری زیارت دیداری است مشتاقانه و ملاقاتی است روحانی با انسان های کاملی که نظام آفرینش به خاطر وجود مبارکشان برپا شده است.

رسول خدا ﷺ می فرماید : «هرکه در نقطه ای از روی زمین به من سلام کند، سلامش به من می رسد و هرکه بر سرقبرم بر من سلام کند آن را می

شنوم.» ( میزان الحکمة ۵/۲۲۸۳ )

آیا روشنتر از این می توان گفت؟؟ امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : هرکس ما را پس از مرگ زیارت کند گویا در دوران حیاتمان دیدار کرده

است. ( میزان ۵/۲۲۸۳ )

پس زیارت معصوم در حیات و مماتش تفاوتی ندارد جز اینکه پس از موت ، ما در حین زیارت ایشان را نمی بینیم و کلام سراسر نورشان را نمی شنویم و این امر، نباید موجب غفلت ما شود از اینکه ایشان ما را می بینند و صدای ما را می شنوند و سلامان را پاسخ می گویند.

در هنگام شرفیابی به آستان های مقدسه ، باور خویش را در مورد حضور



ایشان چنین مطرح می کنیم : پروردگارا ، من می دانم که پیامبر و  
جانشینان تو زنده اند و نزد تو روزی می خورند ، جایگاه مرا می بینند و  
سخن مرا می شنوند و سلامم را پاسخ می گویند. ( اذن دخول حرم های شریفه )

حال بنگرید به ارتباط این دو مطلب که توجه به حضور معصوم و اشتیاق  
به زیارت و دیدار ایشان چه تاثیری بر یکدیگرددارند. در اذن دخول دوم  
چنین می خوانیم : «پروردگارا مارا توفیق عطا فرما که تا روز قیامت به  
آستان های آباد و پرخیر و برکت ایشان روی آوریم و ارواح ما را مشتاق  
قدمگاه های آنان قرار ده و جان هایمان را شیفته ی نگریستن به مجالس  
و خانه هایشان گردان تا آنجا که گویا در حضور جسمانی آنها با ایشان  
سخن می گوئیم.»

پس توجه به حیات معصوم پس از مرگ ظاهری ، نه تنها ما را برای  
زیارتشان مشتاقتر می سازد بلکه این اشتیاق نیز، زیارت با معرفت بیشتر  
به حضور امام را نصیبمان می سازد .

محبت و اشتیاق به دیدار امام معصوم در یک زائر کامل ، به حدی  
است که هنگام وداع ، صراحتاً اعلام می دارد که رفتنش ، نه به معنای  
روگردانی از زیارت و نه به جهت کسالت و خستگی از این دیدار است ؛  
بلکه هنوز نرفته در آرزوی دیداری دوباره است و در همین جایگاه شریف  
از خداوند متعال درخواست دیدار و زیارت بعدی را دارد. به زیارت های  
وداع مراجعه فرمایید جملاتی از این دست را فراوان خواهید دید. جالب  
است که توجه به حیات معصوم حتی در هنگام وداع هم کاملاً مشهود  
است ، به این فراز از زیارت وداع امیرالمومنین علیه السلام بنگرید ، زائر به امام  
خویش عرض میکند: « تورا به خدا می سپارم خداحافظی کرده و بدرودت  
می گویم »





حال به همه ی این حقایق اضافه کنید این نکته را که معصوم از آنچه در ضمیر ما می گذرد آگاه است و میزان محبت ، شوق و رغبت ما را به زیارت به خوبی میبیند . ناگفته پیداست که هرچه زائر مشتاقتر باشد ، معصوم به او توجه و عنایت بیشتری خواهد داشت .

پس برای بهره گیری هرچه بیشتر از زیارت معصومین که در یک کلام ، عنایت ایشان به ماست باید به دو نکته توجه عمیق تر و بیشتری داشته باشیم ؛ یکی اینکه معصومین زنده هستند و حتی پس از مرگ جسمانی ، حیاتی بسیار والاتر از حیات ما دارند و ما درحین زیارت ، حقیقتاً به حضور این بزرگواران می رسیم و با آنان دیدار می کنیم و دوم آنکه هرچه شوق و رغبتمان به زیارت بیشتر باشد، از برکت این دیدارها بیشتر و بهتر بهره مند خواهیم شد.

البته توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که اشتیاق به زیارت نیز از



عطایای الهی است و به لطف و فضل او شامل حال انسان می شود .

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «هرکه خداوند برایش خیربخواهد محبت امام

حسین و محبت زیارت او را در دلش می افکند.» ( کامل الزیارات باب ۵۵/ح ۳ )

محبت به زیارت که در دل جای بگیرد ، آتش اشتیاق شعله ور می شود و جالب این جاست که نیل به زیارت ، ملاک نیست بلکه محبت زیارت ، معیار است . چه بسا عاشقی که امکان سفر به آن بارگاه ملکوتی برایش دست ندهد ، اما همین که رغبت به زیارت داشته باشد کافی است. در روایت شریف دیگری امام باقر علیه السلام می فرمایند: «اگر کسی میخواهد بداند که از اهل بهشت است ، محبت ما اهل بیت را بر قلبش عرضه کند ، اگر پذیرفت مؤمن است و کسی که محب ما باشد باید به زیارت قبر امام

حسین رغبت نشان دهد.» (بحار الانوار/۱۰۱/۴)



## ۲- به زیارت می رویم تا خدای را اطاعت و بندگی کنیم.

زیارت و دیدار با نماینده ی پروردگار ، بدون تردید اطاعت خدای تعالی و بندگی اوست و سبب تقرب و نزدیکی به او می گردد . اساسا نیت و قصد ما از دیدار حجت خدا باید همین بندگی باشد چراکه حجت های الهی وسیله های تقرب به اویند و خضوع در برابر آنان ، حقیقت بندگی است . در اذن دخول دوم حرم های شریفه آمده است : «پروردگارا به ما اجازه ورود به این خانه ها را عطا فرما که اهل زمین و آسمان ها را به زیارت آن ها امر فرمودی و آن را نشانه ی بندگی آن ها در برابر خود قرار دادی .» نیت در واقع روح عمل است ، عمل بدون نیت ، مانند جسم بی روح ، بی ارزش است . آنچه به یک عمل ارزش می بخشد نیت درست است و پروردگار نیز هنگام حسابرسی و پاداش دهی ، به نیت توجه می کند نه صرفا به صورت و ظاهر عمل .

ما مجازیم که در زیارت مجموعه ای از نیات را در نظر آوریم و به عبارت دیگر آثار و برکات متعدد زیارت می توانند در کنار یکدیگر، صفی از انگیزه ها را تشکیل دهند که هر یک در عزم ما بر دیدار با حجت خدا نقش دارند. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه اطاعت از امر پروردگار و بندگی او همواره باید در راس این صف مد نظر باشد که به این انگیزه ، قصد قربت می گوئیم.

آنچه زیارت را به عبادتی شریف و بی نظیر تبدیل می کند ، همین قصد قربت است . آنچه که از برکات و نتایج و آثار ارزشمند زیارت درآینده خواهیم آورد، همگی فرع بر این اصل هستند . بادقت در متن زیارت نامه ها می بینیم که به عبارات مختلف به این حقیقت اشاره شده است.



جملاتی چون «من با زیارت و محبت شما به سوی خداوند تقرب می جویم» نشان می دهد که قصد ما از زیارت معصوم باید نزدیکی به پروردگار و بندگی او باشد و اساسا اینکه قبولی زیارت را از خداوند مسئلت می کنیم، به همین معناست که زیارت امام را برای رضای پروردگار و اطاعت امر او انجام داده ایم. در دعای پس از زیارت امیرالمومنین علیه السلام عرض می کنیم: «پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و زیارتم را از من بپذیر.»

توجه به یک نکته لازم است و آن اینکه زیارت از جمله اعمالی است که گاه قبل از عمل و در بسیاری از مواقع پس از آن، آلوده به تظاهر و خودنمایی می شود و گاه به کلی قصد قربت از بین می رود و خدای ناخواسته در شمار اعمال ریایی درمی آید. پس برای آنکه این عبادت شریف، ما را سزاوار پاداش اخروی سازد؛ باید پیش از سفر، درحین زیارت و پس از آن مراقب و محافظ نیت خویش باشیم.

کسی که بدون قصدقربت به سفر زیارتی می رود ممکن است از برکات دنیوی زیارت بهره مند شود اما ثواب آخرت فقط به نیت صادقانه و خالصانه تعلق می گیرد.



### ۳- به زیارت می رویم تا به عهد خویش وفا کنیم.

یکی دیگر از انگیزه های مقدس در زیارت اهل بیت که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است ، ادای عهد است. تردیدی نیست که معصومین هریک به گردن ما حقوق فراوانی دارند که تلاش ما در طول زندگی باید در راستای ادای این حقوق باشد . امام رضا علیه السلام می فرمایند : «هر امامی بر عهده ی دوستان و شیعیان خود عهدی دارد که با زیارت قبور آنان ، وفای به این عهد کامل می گردد و به خوبی گزارده می شود.»

(کامل الزیارات باب ۴۳/ح ۲)

آری یکی از هزاران حقی که اهل بیت بر عهده ی ما دارند ، زیارت مشاهد مشرفه و بارگاه ملکوتی آنهاست که قطعاً پس از معرفت به مقام و منزلت این عزیزان سبب رستگاری است .

به این روایت شریف بنگرید که امام صادق علیه السلام در مورد فضیلت زیارت حضرت رضا علیه السلام می فرمایند: «پاره ی تن من در سرزمین خراسان ، در شهری که به آن طوس می گویند به شهادت می رسد ؛ هرکس او را در آن سرزمین با معرفت به حقیقت زیارت کند ، روز قیامت او را با دست خودم می گیرم و به بهشت وارد می کنم . راوی حدیث سؤال می کند : معرفت به حق او چیست ؟ فرمودند : این که او را امامی بداند که اطاعتش واجب است.»

آری اهل بیت برترین مخلوقات خدایند و بالاترین چیزی که خداوند به آنان کرامت فرموده ، همین واجب الاطاعه بودن است. اینکه اطاعتشان بدون هیچ قید و شرطی بر جن و انس واجب است ؛ بالاترین و ارزشمندترین موهبت الهی به این عزیزان است و مهم ترین عهدی که برگردن ما دارند نیز همین اعتقاد به واجب الاطاعه بودن آنهاست.

قرین دانستن اطاعت از امام با فرمانبرداری از خدا و رسول ، نشانه ی



معرفت صحیح ما به امام است این عزیزان درهای شناخت و توجه به سوی پروردگار هستند .

« جانشینان پیامبر درهای توجه به سوی خدای عزوجل هستند و اگر آنها نبودند پروردگار شناخته نمی شد. » (اصول کافی / ج ۱ / ص ۲۷۵)

ما این حقیقت بزرگ را با جان و دل پذیرا شده ایم و یکی از راه هایی که برای اثبات این باور پیش رو داریم زیارت این بزرگواران است. آن هنگام که با شوری زائدالوصف بار سفرمی بندیم و بر آستان یکی از این حجت های الهی سرتعظیم فرود می آوریم ، در واقع به عهد خویش وفا نموده ایم و از باب این ادای دین خدای را شاکریم .

« سپاس خدایی را ... که به احسان خویش زیارت مولایم را برایم آسان گردانید و مرا از زیارت او محروم و از پیمانش دور نفرمود »

(زیارت امام حسین علیه السلام درعیدین)

این حق ، آن سان مسلم و بزرگ است که در روایت شریفی فرموده اند :  
« اگر کسی در سراسر عمرش حج به جا بیاورد اما زیارت حسین ابن علی علیه السلام را واگذارد حقی از حقوق الهی و حقوق پیامبرش را وا گذاشته است زیرا که حق او فریضه ایست از جانب خداوند و برهر مسلمانی واجب

است » (کامل الزیارات ، باب ۴۳ ، حدیث ۴)

به فرازهایی از اذن دخول دوم حرم های شریفه بنگرید : «پروردگارا اینان کسانی هستند که آن ها را برای حفظ نظام به فرمانروایی برگزیدی و به ریاست بر همه ی مردم انتخاب فرمودی ... آنگاه نعمت جانشینی پیامبرانت را به ایشان ارزانی داشتی تا قوانین و احکام تورا پاس دارند ، بدین ترتیب با جانشینی ایشان رسالت پیامبرانت را کامل ساختی .»

وقتی در آستانه ی ورود به یکی از آن بارگاه های ملکوتی چنین اقرار



میکنیم در واقع عهدهی را که با آنان بسته ایم به خویشتن یادآوری میکنیم که این بزرگواران جانشینان پیامبر خدایند و فرمانروایان و صاحب اختیاران خلق ، پس برماست فرمانبرداری و اطاعت از آنان .  
گذشته از اینکه زیارت ، ادای دین و وفای به عهد است ، نوعی تجدیدمیثاق



نیز هست تازه کردن این پیمان در حضور معصوم یکی از انگیزه های ما برای زیارت است .

در پایان زیارت امام حسین علیه السلام خطاب به ایشان عرض میکنیم : «برایم نزد خود عهدوپیمانی بنویس که من برای تجدید پیمان نزد تو آمدم.»

به یاد داشته باشیم یکی از دغدغه های یاران خالص اهل بیت در زمان هریک از این عزیزان ، همین بوده است که امام بروفای به عهد آنان گواهی دهند . نمونه ی زیبای این دغدغه را ظهر عاشورا در سعید بن عبدالله حنفی می بینیم که با وجود آنکه در حین نماز حضرت ، خود را سپر امامش کرده و سیزده تیر به سر و صورتش اصابت کرده بود ، در حین شهادت از حضرت پرسید : فرزند رسول خدا ! آیا به عهدم وفا کردم؟ و امام فرمود : آری تو در بهشت پیش روی من خواهی بود .



## ۴- به زیارت می رویم تا با خدای بزرگ دیدار کنیم.

یکی از برکات و آثار زیارت آنچنان عظیم است که قلم و زبان از بیان حقیقتش عاجزند. در برخی روایات زیارت اهل بیت، زیارت خدای متعال دانسته شده است!!!

چگونه زیارت یک معصوم مساوی با زیارت پروردگار می شود، بدون تردید مقصود از زیارت خداوند دیدار با چشم سر نیست که او والاتر از آن است که با چشم رؤیت شود.

زیارت پروردگار در آیات و روایات به معنای معرفتی عمیق، عالی و بی بدیل از خداوند متعال است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایت شریفی زیارت خویش را معادل زیارت خداوند معرفی کرده می فرمایند: «هرکه مرا در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، خدای را زیارت نموده است.» (عیون اخبارالرضا، ۱/۱۱۵)

در برخی از زیارت نامه ها به جملاتی برمی خوریم که به این حقیقت اشاره دارد. مثلا در زیارت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در عید مبعث زائر خطاب به پروردگارش چنین عرضه می دارد:

«خداوندا من بنده ی تو و زائر تو هستم و به وسیله ی زیارت برادر پیامبرت به تو تقرب می جویم و برای هر میهمان و زائری بر عهده میزبان حقی هست و تو بهترین میزبان و گرامی ترین دیدار شونده ای.»

چه زیبا حرم مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام را حرم خدا می نامیم و در آستانه ی ورود عرض می کنیم: «پروردگارا این حرم، حرم توست و این جایگاه، جایگاه تو و من بر تو وارد شده با تو راز و نیاز می کنم.»

همچنین در روایات بیشتری، زیارت حرم مطهر حضرت اباعبدالله علیه السلام و نیز زیارت مرقد شریف حضرت رضا علیه السلام زیارت خداوند دانسته شده است





واز آن جمله است این روایت شریف از امام کاظم علیه السلام : «هر که او را زیارت کند یا شبی را نزد او به صبح رساند ، همانند کسی است که خداوند متعال را در عرش زیارت نموده است.» ( عیون اخبار الرضا ۲/۲۵۹ )

بیجا نیست که در اذن دخول حرم های شریفه خدای را به خاطر چنین رهبران و فرمانروایانی سپاس می گذاریم . « سپاس بی حد می گوئیم پروردگاران را که ما را از نعمت وجود فرمانروایانی برخوردار فرمود که اگر (به فرض محال ) خداوند در مکانی باشد می توانند جانشین او باشند.»

آری این عزیزان حجت های الهی ، خلفای او ، امنای او ، کارگزاران او و نمایندگان تام الاختیار او در زمینند و کاملاً منطقی است که دیدار با آنان لقاء پروردگار محسوب شود.



## ۵- به زیارت می رویم تا در سرزمینهای مقدس حضور یابیم.

زمین های مقدسی که به واسطه ابدان مطهر معصومین متبرک گشته آنچنان شرافتی یافته است که خداوند متعال آن ها را محل تسبیح و تقدیس خویش قرار داده و بدین وسیله به آن ها برتری ویژه بخشیده است.

در آیه ی ۳۶ سوره مبارکه نور خداوند متعال خانه هایی را معرفی می



نماید که به اذن او از علو و برتری برخوردارند و صبحگاه و شبانگاه در آن ها از او یاد می شود . در روایات ذیل این آیه فرموده اند : «خانه های پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرینش از جمله ی این خانه ها بلکه از برترین

این خانه هاست .» (شواهدالتنزیل ۱/۵۳۳)

کدام عقل سلیم است که مرقد شریف این بزرگواران را از خانه های ایشان نداند . زائر با قرار گرفتن در این مکان های مطهر و نماز و ذکر و دعا و ستایش پروردگار، از نورانیت این آستان های شریف بهره مند می گردد و



طاعتش به برکت شرافت محل ، مقبول درگاه حق واقع می گردد.  
بسیاری از برکات زیارت که به زودی به آن اشاره خواهیم کرد، به واسطه همین قرار گرفتن در سرزمین های مقدس است . به فرموده ی پروردگار بزرگ شمردن شعائر الهی و نگهداشتن حرمت آن ها نشانه ی تقوای قلب هاست (سوره حج / آیه ۳۲) و تردیدی نیست که حرم های شریفه ی حجج الهی از شعائر اویند .

در برخی روایات حتی خاک متبرک برخی از این آستان های مطهر، خاک بهشت دانسته شده است . مانند آنچه در مورد حریم مقدس حضرت رضا علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل شده است : « میان دو کوه طوس خاکی است که از بهشت آورده شده است » (عیون اخبارالرضا ۶/۲۵۶)

به پاکی و شرافت این حریمهای شریف، در آغاز اذن دخول دوم نیز اشاره شده است «پروردگارا این جا بقعه ای است که آن را پاک قرارداد ای و فضایی است که ارجمندش ساخته ای و نشانه هایی است که پاکیزه فرموده ای ، زیرا دلایل توحید و نمونه های عرش شکوهمند را در آن نمودار ساخته ای .»

و ما در هنگام زیارت ، خطاب به خود معصوم به این پاکی حریم اقرار می کنیم « تو پاکی و به وسیله ی تو سرزمین ها پاک شد و زمینی که تو در آن هستی پاک گردیده و نیز حرم تو پاک است » (فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام)  
و بارش رحمت پروردگار در این زمین های پاک آنچنان است که گویا اگر زائر در اینجا آن را از دست بدهد دیگر امید ندارد که جای دیگری بدان دست یابد و نهایت شقاوت است که کسی از این سرزمین های پاک ناامید و دست خالی باز گردد .

یکی از نشانه های رفعت مشاهد مشرفه آن است که این حرم های مطهر



محل آمد و رفت فرشتگان مقرب الهی است . آنان نیز از انوار ساطع از این آستان های شریف ، متبرک و بهره مند می شوند ؛ در پیشگاه حجت های الهی زانو می زنند و عرض سلام ، ادب و ارادت می کنند . گروه هایی از فرشتگان نیز گویا ماموریتی الهی دارند و مقیم یکی از این آستان های شریف اند و ما هنگام آستان بوسی حتی از آنها نیز اجازه ی ورود می گیریم «وانی استاذنک یا رب اولاً ... و الملائكة الموكلين بهذه البقعة المباركة ثالثاً» و گاه زیارت به آن ها سلام می دهیم : «سلام بر فرشتگان الهی که برگرد این حرم حلقه زده اند و به این ضریح پناه آورده اند» (فرازی

از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در عید مولود )

جمعی از فرشتگان ماموریت دارند از زائر استقبال کرده و هنگام بازگشت او را بدرقه کنند این مطلب به خصوص در مورد زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام مطرح شده است . امام باقر علیه السلام در مورد زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام می فرمایند : «چهارهزار ملک ، غبارآلود و اندوهگین تا روز قیامت بر حضرتش می گریند و کسی نزد قبر او نمی آید مگر آنکه استقبالش می کنند و از نزد او باز نمی گردد مگر آنکه او را بدرقه می کنند

« ( کامل الزیارات باب ۷۷ ح ۲ )

به هر صورت زائر در مهبط مقدسی حضور می یابد که محل رفت و آمد فرشتگان است و بدون تردید از برکات ویژه ای برخوردار است و این خود می تواند انگیزه ی جداگانه ای برای زیارت باشد. حال حضور در چنین جایگاه شریفی را اضافه کنید به نورانیت دل که در اثر گرفتن زائر در جذبہ ملکوتی معصوم به وی دست می دهد. جذبہ ی آسمانی معصوم دل زائر را نورانی می کند و یک دل نورانی در مهبط ملائکه ، سزاوار رحمت الهی است .



## ۶- به زیارت می رویم تا پاک و طاهر شویم

یکی از آثار بسیار بسیار ارزشمند زیارت که گاه از آن غفلت می شود ، پاک شدن زائر از گناهان و زشتی هاست به این ثمره ی زیارت در روایات متعددی اشاره شده و زائرین اهل بیت به آن بشارت داده شده اند .

شاید بتوان گفت یکی از ده ها نوع پذیرایی که معصومین از زائرین قبور خویش به عمل می آورند ، این طهارت و پاکی است که با قبولی زیارت حاصل می شود. یک نظر لطف معصوم به زائر کافیهست تا خرمن گناهانش را بسوزاند و آب گوارای طهارت را بر روحش سرازیر سازد آن چنان که اثری از گناهان گذشته در نامه ی عملش باقی نماند ( البته مراد گناهی است که به حوزه ی حق الناس مربوط نمی شود )

در زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین عرض می کنیم : « خدایا تو به پیامبرت فرمودی: اگر آنها زمانی که به خود ستم کردند نزد تو می آمدند ، پس از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر نیز برای آنان استغفار می نمود، قطعاً خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند و من به حضور پیامبر تو آمده ام در حالی که استغفار می کنم و از گناهانم توبه می نمایم و به تو روی می آورم به واسطه ی نبی تو محمد که نبی رحمت است » و حضرتش همین مژده را به زوار قبور ائمه علیهم السلام نیز داده اند « هرکه قبور شما را زیارت کند... از گناهانش بیرون می رود آن چنان که وقتی از زیارت شما بازمی گردد همانند روزیست که از مادر متولد شده است »

(تهذیب الاحکام ۶/۲۲)

در بعضی از زیارتگاه ها این نظر لطف امام و در نتیجه طهارت روح زائر آنچنان سریع اتفاق می افتد که مایه ی حیرت است . امام صادق علیه السلام در همین مورد می فرمایند : فردی به سوی قبر امام حسین علیه السلام خارج می



شود پس هنگامی که از جمع خانواده اش جدا می شود، اولین گام ،  
بخشش گناهانش را در پی خواهد داشت ( کامل الزیارات باب ۴۹ ح ۲ )

گویا نظر عنایت امام حتی پیش از رسیدن فرد به حائر حسینی و در همان  
آغاز سفر شامل حال زائر می شود .

شاید بسیاری از برکات دنیوی و اخروی زیارت ثمره ی همین پاکی از  
گناهان باشد ؛ چرا که گناه آثار بدی در زندگی ما به جا می گذارد و پاکی  
از آن ما را از این گرفتاری ها نجات می بخشد به عنوان مثال فرموده اند  
: « زائر حضرت امام حسین علیه السلام رزقش وسیع و عمرش طولانی خواهد شد  
» شاید همین وسعت رزق و طول عمر ثمره ی پاکی زائر از گناهانش به  
برکت لطف امام باشد چون گناه است که عمر را کوتاه و رزق را کم می کند.

برخی از آثار اخروی زیارت نیز چنین است؛ مثلا در مورد برخی از زیارت ها  
مژده داده اند که سختی های مرگ را آسان می کند و از دشواری های روز  
رستاخیز می کاهد و می دانیم عامل اصلی چنین گرفتاری هایی نیز فقط  
گناه است ؛ حال اگر زیارت مقبول زائر را از گناه پاک کند ، کاملا طبیعی  
است که سكرات مرگ یا سختی های قیامت بر او آسان گردد .

گناه به راستی هلاک کننده است . سعادت دنیا و آخرت انسان را یک  
جا تباه می سازد . نگاهی به آیات و روایات به خوبی نشان می دهد  
که گناهان چگونه می توانند انسان را از نعمت های الهی محروم و بی  
نصیب سازند و بدتر از آن چگونه می توانند انسان را گرفتار کیفرهای  
دشوار برزخ و قیامت سازند پس تطهیر و پاکی از گناه بیشترین چیزی  
است که ما به آن نیازمندیم و مهم ترین حاجتی است که باید از خداوند  
درخواست کنیم و معصوم که در درگاه پروردگار آبرومند است ، بهترین  
شفیع است برای دستیابی به آمرزش و آستان مقدس ایشان نیکوترین



مکان است برای توبه، تضرع و استغفار .

کجا می توان چنین پناهگاهی امن و چنین میزبانی مهربان پیدا کرد که با نیم نگاهی بتواند ما را از این همه بار سنگین معاصی نجات بخشد و از عقاب الهی و عذاب سنگین قیامت رهایمان سازد .

پس چنانچه پیشتر نیز گفتیم یکی از مهم ترین انگیزه های ما در قصد زیارت ، می تواند و بلکه باید پاک شدنمان از گناه باشد . در زیارت ائمه ی بقیع عرض می کنیم : « اینک اینجا کسی ایستاده است که به خویشتن ستم کرده و بیچاره و خطا کار است و به گنه کاری خویش معترف و به اینجا آمده است به امید خلاصی و بدان امید که به وساطت و برکت وجود شما از مهلکه نجات یابد. » البته توجه به یک نکته لازم است و آن اینکه گاهی ممکن است آلودگی گناه ما را به کلی از نظر لطف معصوم محروم فرماید و آن زمانی است که ما بدون پشیمانی از گناه و بدون توبه به محضر امام شرفیاب شویم . اگر خدای ناخواسته خود را گناه کار ندانیم و به کثرت گناهانمان اقرار نداشته باشیم، نه لایق حضور در آستان مطهر معصوم هستیم و نه سزاوار نظر لطف ایشان .

درست به همین دلیل است که یکی از اولین آداب زیارت ، توبه از گناه و اظهار پشیمانی است. در بدو ورود به آستان معصوم ، باید در محضر او از پروردگار مهربان طلب عفو کرد و از نافرمانی او اظهار پشیمانی نمود و سپس از حجت پروردگار که به آستان بوسیش آمده ایم ، درخواست بخشش کرد تا او از خداوند برایمان طلب مغفرت کند و با نظر لطف و عنایت خویش ما را طاهر و پاک سازد .

در واقع زائر پس از بازگشت از زیارت ، پاک و طاهر شده و می تواند از نو شروع کند چنانچه امام صادق علیه السلام به زائر حضرت اباعبدالله علیه السلام بشارت



می دهند که : « وقتی قصد بازگشت کند، فرشته ای به سوی او آمده و می گوید پیامبر خدا تو را سلام داده و می فرمایند: عمل از سرگیر که آنچه گناه در گذشته ات بود بخشیده شد » (کامل الزیارت باب ۴۹ ح ۱)

توجه داشته باشید که بخشش گناهان، نه تنها به انسان جرئت و جسارت



تکرار و اصرار برگناه پس از زیارت را نمی دهد بلکه او را برای قدم نهادن در طریقی نو آماده می سازد و سازندگی زیارت همین جاست که چهره نمایان میکند . زائری که دین شناس باشد ، می فهمد که بخشایش گناهان او در واقع اعطای فرصتی دوباره به اوست ، لذا آن را غنیمت می شمرد و سعی می کند از این پس قدم به قدم ترقی کند نه اینکه درجا بزند یا خدای نکرده به گذشته ی تیره و تار خود بازگردد. (نقل از در ضیافت ضریح ، دکتر

بنی هاشمی)



## ۷- به زیارت می‌رویم تا رابطه‌ی با اهل بیت را تحکیم ببخشیم

به یاد داریم که خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید : « به این مردم بگو من در برابر رسالت از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر

یک چیز و آن مودت اهل بیت من است. » (سوره شوری، آیه ۲۳)

روشن تر از این نمی‌توان سخنی گفت مبنی بر اینکه خواست خداوند و پیامبرش در مورد اهل بیت، همانا برقراری رابطه مودت مؤمنین با ایشان است .

در مورد اینکه مودت به چه معناست باید گفت صرف یک محبت قلبی را مودت نمی‌گویند، مودت به محبتی گفته می‌شود که ظاهر شود و در گفتار و رفتار بروز پیدا کند. با این وصف تردیدی نیست که یکی از راههای اظهار محبت یا به عبارت درست تر، مودت، دیدار و زیارت است. چه در حال حیات و چه پس از آن.

دیدار با اهل بیت چنانچه با ارادت و فروتنی همراه باشد این مودت را تحکیم می‌بخشد و به نوعی جبران گوشه‌ای از زحمات پیامبر است. در روایت بسیار زیبایی رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید : « خداوند قبر تو و فرزندان را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشتی و عرصه‌ای از عرصه‌های بهشتی قرارداد و خداوند قلب‌های برگزیدگان خلقش را چنان قرار داد که به سوی شما پر بکشند و آزار در راه شما را تحمل کنند. پس به خاطر نزدیکی به خدا و ابراز محبت به پیامبرش قبرهای شما را آباد می‌کنند و بسیار به زیارتتان می‌شتابند ... آنان در

قیامت زائران من در بهشت هستند. » (تهذیب الاحکام ۲۲/۶)

زیارت نشانه‌ی وفاداری صادقانه‌ی شیعه است نسبت به پیشوایانش و این خود از مصادیق بارز مودت و محبت است و با این همه این فقط



یک روی سکه است و روی دیگر آن، نیاز ما به این رابطه ی عمیق مودتی با اهل بیت است . ما در این دنیا و بسیار بیش از آن در دنیای دیگر به این رابطه نیازمندیم. سعادت، هدایت و نجات ما از هلاکت دنیا و آخرت فقط درگرو دست زدن به دامن پاک این بزرگواران است و زیارت ما را در این راه بسیار یاری می دهد و این رابطه را تحکیم می بخشد. زیارت می تواند ما را به عضویت در حزب اهل بیت مفتخر سازد در فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام به ایشان عرض می کنیم: « مولای من !! مرا در حزب و گروهت وارد فرما .»



## ۸- به زیارت می رویم تا از شفاعت اهل بیت بهره مند شویم

یکی از بشارت هایی که به زائران قبور چهارده معصوم داده شده، بهره مند شدن از شفاعت ایشان است. اگر بگوییم پس از تقرب به خداوند این مزده قوی ترین انگیزه را برای زائرین ایجاد می کند اغراق نکرده ایم؛ چرا که همه ی برکات زیارت، به گونه ای زیرمجموعه ی همین شفاعت است. رستگاری در روز رستاخیز، مهم ترین خواسته ی هر انسان عاقل و فهمیده ای است و این رستگاری جز با شفاعت اولیای دین امکان پذیر نیست.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «کسی از اولین و آخرین نیست مگر آن که روز قیامت نیازمند شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.» (بحارالانوار ۸/ ۴۲)

آری همه به شفاعت حضرتش محتاجند، انبیا و اولیا برای ترفیع درجات و گنه کاران برای آمرزش و نجات. یک گروه از کسانی که به این شفاعت نائل می شوند، زائرین قبور حضرت و اهل بیتشان می باشند. چنانچه خود حضرت در پاسخ به سوال امیرالمؤمنین علیه السلام که پرسیدند: برای زائران و آبادکنندگان و نگهبانان قبور ما چه پاداشی است؟ فرمودند: «یا علی آنان از شفاعت ویژه ی من بهره مند می شوند»

( فرحة الغری، باب ۶، ص ۷۷ )

لطف دیگر پروردگار که در سایه ی شفاعت حاصل می شود، همراهی و همنشینی با اهل بیت است که طبق روایات شامل حال زائرین خواهد شد. امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «وقتی قیامت برپا می شود ... زائرین قبور

أئمه با ما می نشینند.» (عیون اخبار الرضا، ۲/۲۵۹)

حضرت امام رضا علیه السلام نیز به زائرین خویش چنین بشارت داده اند:

« هر که مرا در دیار غربت زیارت کند روز قیامت سه جابه سراغش می روم و از هراس ها و سختی های آنجا نجاتش می بخشم، زمانی که نامه



های اعمال از راست و چپ پراکنده می شوند و هنگام گذشتن از صراط  
و موقع سنجش اعمال « (کافی، ۴/۵۸۳)

آری زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی با حجت خداست و این ارتباط در  
سرای آخرت بسیار بیش از دنیا به کار می آید.



## ۹- به زیارت می رویم تا دینمان را به رسم امانت به اهل بیت بسپاریم

همه ی ما نگران حفظ دین و باورهای اعتقادی خویش هستیم و با توجه به اینکه عاقبت ابدی ما را عقاید تعیین می کند ، باقی ماندن بر این باورها یک اصل ضروری است و از طرف دیگر شیطان نیز بر سر صراط مستقیم کمین کرده و دائم تلاش می کند ما را از نظر اعتقادی سست کرده و از راه راست منحرف سازد. او به خوبی می داند که تنها راهی که به سعادت و نجات ختم می شود، راه ولایت اهل بیت است و دقیقاً به همین دلیل لحظه ای از وسوسه ی رهروان این راه غفلت نمی کند . زندگی تک تک ما میدان مبارزه ی دائمی با این دشمن قسم خورده است .

قرآن کریم از قول شیطان نقل می فرماید که سوگند خورد «بر سر راه راست تو می نشینم» و تردیدی نیست که راه راست بنا به فرمایش رسول اکرم ﷺ در خطابه غدیر، ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم ایشان ﷺ است . امام باقر ﷺ در تفسیر همین آیه به یکی از یارانشان می فرماید : «ای زراره ، ابلیس تنها تو و هم کیشان تو ( شیعیان ) را قصد کرده و دیگران را رها نموده است» (کنایه از اینکه خیالش از بابت دیگران راحت است چون آن ها خود از راه راست منحرف گشته اند)

(تفسیر عیاشی، ۲/۹)

با چنین دشمنی جا دارد که ما این همه نگران باقی ماندن بر باورهای برحق خویش و در راس آن ها ولایت باشیم . درست به همین جهت به ما آموخته اند در حضور معصوم اعتقاداتمان را بازگو کرده و به آن ها شهادت دهیم و سپس آن ها را به عنوان امانت به ایشان بسپاریم تا هنگام کوچ کردن از این دنیا به ما بازگردانند.

در زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان چنین عرض می کنیم : «من  
گواهی خویش را نزد تو به امانت می گذارم تا مرا در روز شفاعتت به تو  
نزدیک سازد» و در فرازی دیگر می گوئیم : « این گواهی من است نزد تو  
تا روزی که مرگم فرا رسد و جانم در حضور تو گرفته شود.»



## ۱۰- به زیارت می رویم تا به اهل بیت پناهنده شویم

یکی از انگیزه های زیارت برای مشتاقان و دلدادگان اهل بیت ، پناهندگی به ساحت مقدس این عزیزان است که با اظهار خضوع در برابر عظمت آنان و اقرار به مقامات و فضائل ایشان حاصل می شود.

درجای جای زیارت نامه هایی که در این آستان های مقدس می خوانیم از اظهار تواضع و کوچکی در برابر معصومین یاد شده تا مبادا فراموش کنیم که برآستان چه کسی پا نهاده ایم و در مقابل که ایستاده ایم در ورودی حریم هر معصومی آنگاه که اذن دخول می طلبیم ، عرض می کنیم :

« پروردگارا... اشک های ما را با خشوع از هیبت این بزرگواران جاری فرما و اعضای بدن ما را به خواری بندگی و لزوم فرمانبرداری فروتن گردان . »

این خشوع و فروتنی ، یکی از مهمترین و اصلی ترین آداب زیارت است که چنانچه رعایت نشود ، زائر از بسیاری از برکات زیارت محروم می ماند. در ورودی حرم مطهر امام حسین علیه السلام به زائر آموخته اند چنین مناجات کند که : «مولای من ! غلام تو و فرزند کنیز تو ، خوار در پیشگاهت و کوچک شده در برابر مقام بلندی و اقرارکننده ی به حق تو به سویت آمده ، درحالی که به تو پناهنده شده ، آهنگ حریم تو کرده و به جایگاه تو روی آورده است.»

خداوند متعال ولایت ، سرپرستی و صاحب اختیاری بندگانش را به پیامبراکرم و اهل بیت طاهربینشان سپرده و لازمه ی بندگی خداوند متعال ، پذیرش این ولایت و صاحب اختیاری است و منظور از شناخت حق این بزرگواران و یا اعتراف به حق ایشان ، که در ارتباط با زیارت زیاد مطرح می شود، همین حق ولایت است . واجب الاطاعه بودن اهل بیت نیز از همین ولایت سرچشمه می گیرد چرا که حقیقت ولایت به معنای « اولی



به تصرف بودن « است و کسی که درما بیش از خودمان حق تصرف دارد ، بدون تردید اطاعتش بر ما واجب است .

ما معتقد نیستیم که اهل بیت در قدرت ها و مقاماتشان مستقل از خداوند هستند و هرگز آنها را پرستش و بندگی نمی کنیم و اگر در زیارت خطاب می کنیم که ما عبد شما ایم (اناعبدک) این عبد به معنای غلام است نه بنده . ما بنده ی خداییم و به فرمان او مطیع محض اوامر این بزرگواران هستیم و در مقابلشان خضوع کرده اظهار ذلت و خاکساری می کنیم و به درگاهشان پناه می بریم چرا که در مبارزه ی دائمی که با شیاطین جنی و انسی و نیز نفس اماره درگیر آن هستیم نیاز به پناهگاهی امن داریم که پناهمان دهد و ما را از خطرات مصون بدارد.

آری ما در آستان معصوم اظهار بندگی (غلامی) می کنیم ، به صاحب اختیاری او اعتراف و اقرار می کنیم و دست به دامانش می زنیم و عاجزانه التماس می کنیم تا ما را در دامان پر مهرش بپذیرد و پناهمان دهد که سخت به این پناهندگی نیازمندیم .

در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به ایشان عرض می کنیم : « هرکسی نسبت به دیدارکننده اش عنایت دارد و من دوست دار شما هستم و در آستانتان فرود آمده ام و به حرمتان التجا جسته ام و به ضریح شما پناه آورده ام زیرا می دانم منزلتی والا و مقامی شریف و بلند دارید.»





## ۱۱- به زیارت می رویم تا به اهل بیت توسل بجویم

توسل به معنای وسیله جویی است برای نزدیک شدن به چیزی و قرآن کریم صراحتاً مؤمنین را به وسیله جویی برای نیل به قرب خدا امر فرموده است .



در آیه ۳۵ سوره ی مبارکه مائده می فرماید: « ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله بجوید » بدون تردید وسیله ای می تواند ما را به قرب خداوند نائل کند که از جانب خود او به ما معرفی شده باشد و گرنه ما از پیش خود قادر به تشخیص درست و انتخاب وسیله ی صحیح نیستیم .

در روایات متعددی ما را راهنمایی فرموده اند به اینکه بهترین وسیله حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت بزرگوار ایشان اند. به عنوان نمونه فقط به یک روایت شریف از حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام اشاره می کنیم که فرمودند : « ما وسیله ی خداوند در میان خلقش هستیم »

در واقع اهل بیت همان ریسمانی هستند که خداوند ما را امر به اعتصام و چنگ زدن به آن فرموده است (سوره ی آل عمران/۱۰۳)

حال توجه کنید که یکی از مهم ترین انگیزه های زیارت ، می تواند و باید که همین اعتصام به حبل الله و عرض توسل به ساحت مقدس معصومین باشد. معمولا در اذهان ما توسل ملازم خواستن حاجت است. ما گمان می کنیم که هر زمان حاجتی داشته باشیم باید به معصوم متوسل شویم تا حاجتمان برآورده شود ؛ اما در واقع چنین نیست. توسل در واقع ارتباطی با حاجت داشتن ندارد. توسل، دست زدن به دامان معصوم است. توسل، چنگ زدن به ریسمان ولایت است و توسل جستن وسیله ای است برای نزدیکی به ساحت قدس پروردگار، چه پای حاجتی در میان باشد و چه نباشد.

در ورودی آستان شریف امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض می کنیم : «پروردگارا بر درگاه تو ایستاده و به آستانت پا گذاشته ام و به ریسمان تو چنگ زده و خود را در معرض رحمت تو قرار داده ام و به ولی تو که درود تو بر او باد متوسل شدم.»

گاهی توسل فقط به این جهت انجام می پذیرد که معصوم ما را در گروه و حزب خویش پذیرا شود که سعادت دنیا و آخرت در گرو همین امر است. اظهار اینکه ایشان همه ی امید ما و مورد اعتماد ما هستند و وسیله ی ما در درگاه الهی، عین توسل است .

در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام به ایشان عرض می کنیم : مولای من مرا در دسته و گروه خود وارد کن... که تو امید و آرزو و مایه ی پشت گرمی و مورد اعتماد من هستی و وسیله ی من به سوی خداوندی.

آری توسل، یعنی جستن وسیله ای شایسته برای توجه به پروردگار و جلب نظر رحمت او.



## ۱۲- به زیارت می رویم تا مشکلاتمان برطرف و دعاهایمان

### اجابت شود

یکی از آثار و برکات زیارت که معمولا مورد توجه همه ی زائرین هست اجابت خواسته ها و رسیدن به حاجات است . از آنجا که خداوند برای حجت های خویش جایگاه رفیعی قائل شده و آنان با بندگی خویش این جایگاه رفیع را ارتقاء عظیمی بخشیده اند؛ دعا در محضر ایشان و در آستان ملکوتیشان بسیار بسیار به اجابت نزدیک است و این حقیقتی است که هم در روایات بارها به آن اشارت رفته و هم بیشمار توسط زائرین تجربه شده است .

بیمارانی که در بارگاه ملکوتی معصومین شفا یافته اند ، گرفتارانی که گره از کارشان گشوده شده و دردمندانی که دردهای ظاهری و باطنیشان مداوا گشته است ، از شماره بیرون اند.

« مولای من گواهی میدهم که هرکس به واسطه ی تو از خداوند حاجت بخواهد به شرط آنکه به مقام تو معرفت داشته باشد ، جز با برآورده شدن حاجتش باز نمی گردد. پس شفیع من باش نزد خداوند در برآوردن حاجاتم و آسان ساختن امورم و برطرف شدن گرفتاری هایم و آمرزش گناهانم و گشایش یافتن روزیم و طولانی شدن عمرم و برآورده شدن خواسته هایم در دنیا و آخرت » (زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام)

آری کسی که در یکی از این آستان های مقدس دست گدایی به درگاه پروردگار برمی دارد و با تضرع و دل شکستگی حاجت شرعی خویش را می طلبد ، خداوند اجابتش می فرماید و دیر یا زود حاجتش را کرامت می فرماید . البته برای تحقق این امر ، وجود شرایط و فقدان موانع ضرورت دارد . گاهی ما معرفت لازم به حق معصوم را نداریم و این ما را از



اجابت دعایمان محروم می کند؛ زمانی خود ما راه افاضه ی فیض الهی و اجابت دعای خویش را سد کرده ایم و گاه آنچه طلب می کنیم به خیر و صلاح ما نیست و ما از این نکته غافلیم در حالیکه خدای متعال و حجت او که به وی متوسل شده ایم از حقایق پشت پرده ی غیب و نیز از وقایع آینده آگاه و با خبرند و در عین این که از اعطای آنچه به مصلحت هست دریغ نمی ورزند، از دادن حاجتی که خیر ما در آن نیست خودداری می کنند و یا آن را تا زمانی خاص به تاخیر می اندازند.

گذشته از این مطلب باید توجه داشته باشیم همین که اهل بیت به ما اجازه داده اند به حضورشان برسیم، آن قدر ارزشمند است که قابل تصور نیست؛ چه در این تشرفات حوائج دنیوی ما نیز روا شود و چه نشود.

البته بازهم یادآوری می کنیم که چنانچه معرفت لازم به معصوم در ما باشد و مانع دیگری نیز در کار نباشد، اجابت دعا در آستانه ی مبارکه ی معصوم حتمی است.

توجه به یک نکته ی دیگر نیز ضروریست و آن اینکه همواره باید انگیزه ی اصلی زائر از زیارتش، قصد قربت و رضای پروردگار باشد هر چند می تواند یکی از آثاری که از زیارت، مد نظر اوست شفای بیماری یا رفع گرفتاری دیگری باشد.

خواهش های دنیوی، با قصد قربت هیچ منافاتی ندارند و طلب آنها در محضر امام، بیانگر گدایی انسان بر درگاه این عزیزان و نشانه ی تعظیم در برابر عظمت ایشان است؛ اما والا ترین و عالی ترین انگیزه همواره کسب رضایت خدای متعال است.

در فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام به زیبایی به همه ی حوائج و خواسته ها اشاره کرده چنین عرض می کنیم: «پروردگارا... به وسیله ی زیارتم



مرا به آرزویم برسان و خواسته ام را به من عطا فرما و نیازهایم را برآورده ساز و مرا نا امید برنگردان و دعایم را بی تاثیر قرار مده و مرا از اجابت همه ی دعاهایی که درباره ی امور دین و دنیا و آخرتم کردم آگاه فرما و مرا در شمار آن بندگان قرار ده که بلاها و بیماری ها و فتنه ها و آسیب ها از آنان دور فرمودی و از آن ها که در عافیت زنده می داری و در عافیت می میرانی و در عافیت وارد بهشتشان می سازی و در عافیت از آتش پناهشان می دهی .»

اما حاجت خواهی در محضر معصوم به چند شیوه انجام می گیرد : یکی اینکه خداوند را به گل روی و لیش سوگند می دهیم که حاجت ما را برآورده سازد؛ و دیگر آنکه از خود معصوم حاجت می خواهیم که این خواستن از معصوم خود دونوع است : اول آنکه از او می خواهیم که خواسته ی ما را از پروردگار طلب کند و به عبارت دیگر برایمان دعا کند و باور داریم که نزد خدا آنچنان احترام و ارزشی دارد که دعایش رد نمی شود اما نوع دوم آن است که از خود معصوم می خواهیم که حاجت و خواسته ی ما را برآورده سازد ؛ چرا که معتقدیم که خداوند متعال اجازه ی هرگونه تصرفی را در عالم امکان به حجت های خویش عنایت فرموده است و این بزرگواران نه مستقلا بلکه به اذن و خواست خداوند ، قدرت دارند حاجت ما را برآورده سازند



### ۱۳- به زیارت می‌رویم تا از اهل بیت سپاس‌گزاری کنیم

در اینکه ما بندگان در نعمتهای الهی غوطه‌وریم، هیچ تردیدی نیست و لزوم شکرگزاری به درگاه حضرت حق را هر انسان عاقلی به خوبی درک می‌کند. در میان این همه نعمتهای بی‌شمار پروردگار، معرفت او و حجت‌هایش از اعظم نعمتهاست که نه بزرگی آن قابل فهم و درک ماست و نه شکرگزاری از آن ازعهده‌ی ما ساخته است.

اینکه خداوند بزرگ نمایندگانش را به ما شناسانده و دل‌هایمان را از محبت این عزیزان لبریز فرموده است، در جای خود شکر بی‌حد می‌طلبد و سپاس بی‌اندازه.

اما اینکه توفیق دیدار با حجت‌خویش را نصیب زائر ساخته نعمتی است و رای معرفت و محبت که سپاس‌گزاری جداگانه لازم دارد و بر زائر لازم است که در طول سفر زیارتی، مکرر شکرگزار این لطف حضرت حق باشد. «سپاس خدای را که مرا به ولایت تو رهنمون گشت و زیارتت را ارزانیم فرمود و آمدن به سوی تو را برایم آسان نمود.» (فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام)

اما آنچه که در این مقام، قصد اشاره به آن را داریم، تشکر و سپاس‌گزاری از واسطه‌ی نعمت یعنی معصوم است. ما در زیارت، به آستان کسی پای می‌گذاریم که هر آنچه از الطاف الهی به ما رسیده، از مسیر او گذشته و از دستان پرمهر او عبور کرده و اجازه‌ی رسیدن به ما را یافته است.

معصوم، خلیفه‌ی خدا در زمین و نماینده‌ی او در بین بندگان می‌باشد و به بیانی همه‌کاره‌ی پروردگار در روی زمین است. همه چیز عالم از باریدن باران گرفته تا رویش گیاهان و نزول روزی بندگان، همه و همه به واسطه‌ی معصوم تحقق می‌یابد. عطای نعمتهای مادی، جسمی، دنیوی و نیز روحی، معنوی و اخروی به دست مبارک حجت‌خدا صورت



می گیرد .

خداوند به حجج خویش چنین فرموده است که : « این عطای ماست ، به هر کس خواهی ببخش و از هر کس خواهی امساک کن » (سوره ص / آیه ۳۹) آری همه ی ما عمریست بر سر سفره ی این بزرگواران نشسته ایم .

« خداوند فقط به سبب شما باران نازل می کند و به برکت وجود شما آسمان را نگاه می دارد که بر زمین نیفتد (نظم موجود بین آنها حفظ شود) و به واسطه ی شما ناراحتی ها را رفع می کند و گرفتاری ها را از بین می برد. » (فرازی از زیارت جامعه کبیره)

حال آیا سزاوار نیست که یکی از انگیزه های ما از زیارت اهل بیت ، تشکر و سپاسگذاری از ایشان باشد . سپاس به خاطر همه ی الطافشان چه آن ها که فهمیده ایم و چه آن ها که توفیق درکش را نیافته ایم

و سپاس جداگانه به خاطر اینکه ما را با خود آشنا کرده ، به درگاه خویش پذیرفته اند و عنایتمان فرموده اند که یقین داریم فیض زیارت نیز به امضای خود این عزیزان شامل حال ما می گردد.

درست است که امروز حضرت ولی عصر علیه السلام زمام امور عالم را به دست دارند و تمام فیوضات الهی به دست مبارک ایشان به مخلوقات می رسد ولی سایر معصومین نیز در این فیض رسانی نقش دارند و شکرگذاری از همه ی این بزرگواران شرط عقل ، ادب و انصاف است.



## ۱۴- به زیارت می رویم تا از پاداش الهی آن بهره مند شویم

یکی از مهم ترین انگیزه ها برای زیارت اهل بیت ، بهره مند شدن از پاداش اخروی است که از سوی حضرت حق به عبادات مقبول تعلق می گیرد .

«پروردگارا من به زیارت اولیای تو رو آوردم در طلب پاداش تو و به امید آمرزش و احسان بی کرانت»

در برخی روایات صراحتاً پاداش زیارت ، بهشت دانسته شده و این چیزی است که رغبت انسان را به این عمل شریف دوچندان می کند .

ناگفته پیداست که برای بهره مندی از این پاداش باید شرایط قبولی زیارت فراهم باشد و گرنه زیارتی که مورد قبول واقع نشود شامل چنین اجر و پاداشی نخواهد بود . بنابراین زائر، بیش از آنکه به کمیت زیارتش بیندیشد و به اعمال و آداب معمول عنایت بورزد ، باید هم خویش را مصروف کیفیت زیارت کند که شرط قبولی آن است .

به راستی حیف است عملی با این همه آثار و برکات که به برخی از آن ها اشاره کردیم با غفلت از ملاک های قبولی به یک سری آداب ظاهری تبدیل شود .

خداوند متعال به لطف و کرم خویش باب قبولی را به روی اعمال بندگان باز نموده و در بسیاری از موارد کاستی های عبادات را نادیده می گیرد پس جای یاس و نومیدی نیست . اما درعین حال زائر باید در حد توان خویش از این عمل نیکش مراقبت کند و شرایط قبولی را فراهم آورد . پس تعداد دفعاتی که انسان به زیارت اهل بیت می رود و ساعاتی که در حرم این بزرگواران صرف می کند ، ملاک ارزش عمل نیست بلکه پاسخ معصوم به سلام یک زائر و مهر قبولی بر زیارت او ، هر چند کوتاه و مختصر باشد ملاک قدر و ارزش عمل اوست .





گاهی ممکن است عمل ما صحیح باشد اما مورد قبول واقع نشود . چون صحیح بودن عمل به معنای درست بودن شرایط فقهی است ؛ اما مقبول بودن چیزی ورای این هاست . در واقع باید گفت هر عمل مقبولی یقیناً صحیح نیز بوده است اما هر عمل صحیحی لزوماً مقبول نیست .

مهم ترین شرط قبولی زیارت ، چنانچه پیش تر نیز اشاره کردیم معرفت است که بدون آن زیارت مانند جسمی است بی جان . آنچه می تواند مارا سزاوار فضل الهی سازد و بهشت برین را به واسطه ی زیارت اولیائش روزیمان سازد، معرفت است .

به این روایت شریف بنگرید : امام صادق علیه السلام در مورد فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام می فرمایند : « پاره ی تن من در سرزمین خراسان در شهری که به آن طوس می گویند، شهید می شود. هر کس با معرفت به حق او به زیارتش برود ، روز قیامت او را با دست خویش وارد بهشت می کنم. راوی سوال می کند : معرفت به حق او چیست ؟ فرمودند : اینکه او را امام واجب الاطاعة بداند ...» (عیون اخبارالرضا ۲ / ۲۵۹)

در ارتباط با معرفت در گفتار نخست ، مطالب مهمی ارائه شد که توصیه می کنیم یک بار دیگر با این نگاه که قبولی زیارت مشروط به چنین معرفتی است ، آن مبحث را مطالعه فرمایید .

در اینجا به چند مانع از موانعی که سبب می شود زیارت ما مورد قبول پروردگار واقع نشود و با وجود تحمل سختی های سفر از این همه برکات بی بهره بمانیم، اشاره می کنیم به امید آنکه به طور جدی در رفع این موانع بکوشیم :

**۱- بی پروایی در ارتکاب گناه :** یکی از موانع مهم قبولی هر عمل عبادی اصرار بر گناه ، عدم توبه و رعایت نکردن حریم های الهی است . بدون تردید



تقوی شرط قبولی عمل است.

قرآن کریم به صراحت می فرماید «خداوند(عمل نیک را) فقط و فقط از اهل تقوی می پذیرد.» (سوره مائده، آیه ۲۷)

تقوی به معنای پروا داشتن از پروردگار است و به انجام واجبات و پرهیز از محرمات اطلاق می شود. انسان متقی خود را مجاز به ارتکاب هیچ یک از محرمات الهی نمی داند و مراقب است که از خط قرمزها عبور نکند اگرهم احیانا غفلتی پیش آمد و مرتکب گناهی شد فوراً پشیمان می شود و با توبه باز می گردد.

زائر اهل بیت، باید به چنین روحیه ی خویشتن داری و پرهیزکاری آراسته باشد تا زیارتش مقبول درگاه حضرت حق واقع شود. کسی که به راحتی عنان از کف می دهد و بی مهابا گناه می کند و پس از ارتکاب گناه پشیمان نمی شود و به فکر بازگشت و جبران نمی افتد نباید امید به قبولی زیارتش داشته باشد.

ناگفته پیداست که زائر باید در طول سفر زیارتی بیش از همیشه مراقب رفتارهایش باشد چرا که ارتکاب گناه در محضر معصوم، زشتی آن را مضاعف می سازد.

افرادی که حتی در سفر زیارتی نیز نگاهشان را کنترل نمی کنند و بانوانی که زینت کرده و با پوشش نامناسب به حرم معصوم می روند، بدون شک حرمت امامشان را شکسته و به ایشان توهین کرده اند.

**۲- ریا و خود نمایی:** یکی از مهم ترین موانع قبولی عمل صالح، ریاکاری و خودنمایی است. به بیان دیگر یکی از شروط قبولی عمل صالح، خلوص نیت است. عمل خالص عبادتی است که فقط برای رضای خدای متعال انجام گیرد.



یکی از مراتب شرک، شرک در عبادت است. به این معنا که انسان عبادتی را انجام می دهد اما تنها قصدش از آن رضایت خداوند نیست؛ بلکه به رضایت و خوش آمد دیگران نیز نظر دارد و این ریاکاری سبب بطلان کامل عمل و عدم پذیرش آن از سوی خدای تعالی می شود.

در حدیث قدسی آمده است که خدای عزوجل می فرماید: «من بهترین شریکم؛ هر که در عملش دیگری را با من شریک کند، من از او نمی پذیرم

مگر اینکه عملی خالص برای من باشد.» (اصول کافی/باب ریا / حدیث ۹)

یکی از بهترین راه های حفظ خلوص نیت انجام پنهانی عبادات است اما از آنجا که زیارت عملی است که به سختی می توان آن را مخفی نگاه داشت، به شائبه ی ریا نزدیکتر است و به همین جهت بیش از سایر اعمال مراقبت از نیت زیارت لازم است. زائری که به قصد پرکردن چشم مردم و کسب تعریف و تمجید آن ها به زیارت می رود؛ انتظار قبولی زیارتش انتظار بی جایی است.

اخلاص، گوهر ارزشمندی است که از آغاز تا انجام و حتی پس از اتمام زیارت، باید به شدت از آن مراقبت شود. در هر یک از این مراحل ممکن است در اثر غفلت و بی توجهی، زائر به ریاکاری آلوده شود و خلوص نیتش را از دست بدهد. همواره به یاد داشته باشیم که فرموده اند: «نگه داری از عمل به مراتب دشوارتر از انجام عمل است.»

(اصول کافی / باب ریا حدیث ۱۶)

**۳- برعهده داشتن حق الناس:** از دیگر موانعی که بر سر راه قبولی همه ی عبادات ما از جمله زیارت قرار دارد، حق الناس است که متاسفانه معمولاً از آن غفلت می کنیم. رعایت حقوق دیگران وادی گسترده ایست که توجه به آن در تمام طول عمر ضروریست. تجاوز به حقوق دیگران گاه به شکل



حرام خواری خود را نشان می دهد و گاه به صورت بدخلقی با مؤمنین و نیت سوءداشتن نسبت به آنان که بدون تردید هر دو موجب ابطال عبادات است و رعایت هر دو نکته به ویژه در سفرهای زیارتی از اهمیت خاصی برخوردار است .

باب وسیعی از حق الناس در گناهان زبانی جلوه می کند . غیبت و بازگکردن عیوب پنهانی مؤمنین یا تهمت زدن و نسبت بی مورد دادن به آنان و نیز آزار زبانی مؤمنین از تمسخر گرفته تا شتمات و تحقیر از این دست هستند و صد البته در این زمینه تفاوتی بین اعضای خانواده، آشنایان و سایر مؤمنین وجود ندارد.

از درگاه پروردگار متعال عاجزانه مسئلت می کنیم ما را از شر این موانع مصون بدارد و عبادات ناقابل و پر از نقص ما را به فضل خویش پذیرا شود.

**۴- عجب و خودپسندی :** از دیگر آفاتی که ممکن است عبادات ما از جمله زیارت به آن گرفتار شود ، عجب است . عجب به معنای بزرگ پنداشتن عمل صالح و کامل و بدون نقص دیدن آن است که گاهی باعنوان «خروج از حد تقصیر» از آن یاد می شود.

مؤمن باید همواره خود را در پیشگاه خداوند مقصر ببیند چرا که هیچ بنده ای به معنای حقیقی از عهده ی بندگی بر نمی آید و همواره عبادات ما در پیشگاه خداوند ناچیز و ناقص هستند . توجه به این حقیقت ما را از عجب دور می کند. انسان خودپسند ، از عمل عبادی خویش بسیار شاد می شود و با غرور به عمل خویش می بالد و این حالت با روح بندگی که تواضع و گدایی است منافات دارد.

حق آن است که توفیق انجام یک عبادت از جهات مختلف ، فقط به لطف



پروردگار دست می دهد و بدون عنایت او ممکن نیست . حال چنانچه شادی مؤمن از این جهت باشد که مشمول عنایت پروردگار شده و توفیق بندگی یافته، این عجب نیست ولی چنانچه فراموش کند که به توفیق الهی موفق به انجام عبادتی چون زیارت شده و آن را منتسب به خود بداند ؛ این نشانه خود پسندی است و سبب نابودی عمل می شود . چنین فردی خود را از حضرت حق طلبکار می پندارد و نه به فضل و رحمت او بلکه به عمل خویش بسیار امیدوار است و به عبادت خویش میبالد .

زائر اهل بیت باید در طول زیارت و پس از آن مراقب این رذیله باشد . توفیق زیارت را از جانب حضرت حق بداند و به آن اتکا نکند. همواره نقص عملش را به خویش یادآوری کند و از بابت قبولی عملش در پیشگاه خداوند ، نگران باشد و تنها به فضل و رحمت او امید ببندد. اساسا یکی از نکات قابل توجه در بحث قبولی عمل صالح همین گدایی و در خواست از خدای بزرگ است .

ما درحین زیارت از معصومی که به زیارتش شتافته ایم خاضعانه می خواهیم زیارت و سلام ما را به محضر شریفش بپذیرد و ما را دست خالی روانه نسازد و از پروردگار بزرگ نیز عاجزانه درخواست می کنیم که به احترام و عظمت حجت خویش ، عرض بندگی نا قابل ما را قبول فرماید و اشکالات و کمبود هایش را به لطف خویش نادیده انگارد و ما را از همه ی آثار و برکات زیارت به ویژه اجر و پاداش اخروی آن بهره مند نماید .



به نظر می رسد اکنون که از آثار و برکات زیارت و نیز موانع قبولی آن آگاهی یافتیم اشاره ای به برخی از آداب زیارت خالی از لطف نباشد.

می دانیم که برای روبرو شدن با هر انسان بزرگ و شریفی ، سزاوار است انسان مؤدب به آداب باشد و هر چه منزلت دیدار شونده بالاتر باشد ، ادب حکم می کند آداب و تشریفات بهتر رعایت شود و حرمت و احترام او بیشتر حفظ شود ؛ حال ناگفته پیداست که وقتی به دیدار حجت خدا می رویم چه اندازه رعایت آداب اهمیت می یابد.

۱- اولین ادب دیدار با معصوم ، طهارت جسم است که مقدمه ای است برای طهارت روح . به همین جهت سفارش شده زائر پیش از ورود به حریم معصوم ، غسل زیارت انجام دهد و پاک و طاهر به دیدار وی مشرف شود.

۲- لازم است در مسیر تشریف تواضع و ادب رعایت شود . توجه قلبی به ساحت مقدس معصوم و مشغول بودن زبان به ذکر، آمادگی ما را در بهره مندی از نظر عنایت امام بیشتر می سازد.

۳- عقل و ادب حکم می کند بدون اجازه پا به هیچ حریمی نگذاریم چه رسد به حریم معصوم . کسی که عظمت این آستان های باشکوه را درک کرده باشد هرگز به خود اجازه نمی دهد بدون رخصت وارد شود . زائر می تواند در آستانه ی ورود یکی از اذن دخول های ذکر شده در مفاتیح الجنان را به قصد رعایت ادب و کسب اجازه بخواند .

۴- حضور در کنار مضجع شریف معصوم خود به معنای زیارت است و در حین دیدار می توان با هر زبان و گویشی به ایشان سلام داد و سخن گفت ، اما تردیدی نیست که ما شیوه ی درست عرض ارادت و سخن گفتن با معصوم را نمی دانیم به همین جهت بهترین کار خواندن متن



زیارتهایی است که از خود این عزیزان به دست ما رسیده که بهترین و کامل ترین آنها زیارت جامعه ی کبیره و زیارت امین الله است.

پس از زیارت دو رکعت نماز زیارت خوانده و پاداش آن به معصوم هدیه می شود.

۵- تلاوت قرآن کریم در حرم معصومین ، عبادت بسیار ارزشمندی است که نباید از آن غفلت کرد.

۶- لعن و نفرین بر ظالمین و قاتلین اهل بیت از اعمال ارزشمند در محضر معصومین است و نشانه ی تبری می باشد که از شروط ایمان است.

۷- اطراف ضریح مطهر گشتن و بوسیدن آن در زمانهای خلوت مستحب است اما مواقع ازدحام جمعیت این کار موجب آزار سایر زائرین شده و مطلوب و پسندیده نیست و چه بسا منجر به بی احترامی به امام شود.

۸- نیابت از اهل ایمان از جمله پدر و مادر و دیگر عزیزان در زیارت معصومین و دعا برای آنان عملی شایسته است و صد البته از همه بالاتر و والاتر به جای آوردن زیارت به نیابت از مولا و سرورمان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که سبب کمال بهره برداری از دیدار معصوم و جلب نظر عنایت ایشان است و در هر حال سزاوار است دعا برای تعجیل در فرج حضرت در راس دعاها ی ما قرار گیرد.

در پایان ، این هدیه ی ناچیز را به نیابت از مولای بزرگوام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به محضر مقدس حضرت امام رضا علیه السلام تقدیم می دارم و از خداوند متعال عاجزانه مسئلت دارم این بنده ی روسیاه و همه ی کسانی که با ارادت به اهل بیت این سطور را می خوانند در دنیا از زیارت و در آخرت از شفاعتشان بهره مند فرماید.





پر می کشد کبوتر دل در هوای دوست  
گویا نصیب گشته بینم لقای دوست  
ما را به میهمانی خود خوانده یار ما  
پس عازمیم جانب دولت سرای دوست  
با سربه میهمانی دلدار می رویم  
تا افکنیم جان و تن و سربه پای دوست